

بررسی نحوه گذران اوقات فراغت در بین نوجوانان بزهکار مناطق حاشیه شهر

"مراغه"

تاریخ دریافت: 91/08/14

اکبر فریدفتحی^۱ داریوش معرفت^۲، زهرا اعلم^۳

تاریخ پذیرش: 91/12/23

چکیده

این تحقیق به منظور بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت و همچنین تعیین رابطه آن با گرایش به بزهکاری در نوجوانان مناطق محروم و حاشیه‌نشین شهرستان مراغه انجام شد. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری پژوهش کلیه نوجوانان 13 تا 18 سال محله‌های حاشیه‌نشین و محروم شهرستان مراغه بود. جامعه آماری در حدود 8000 نفر تخمین زده شد که با توجه به جدول مورگان 500 نفر نمونه به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و توسط پرسشنامه محقق ساخته اوقات فراغت و پرسشنامه بزهکاری مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها پس از جمع‌آوری با شاخص‌های آماری توصیفی و روش‌های آماری استنباطی و به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته و بزهکاری رابطه معنادار و منفی وجود دارد ($P < 0/01$)، در حالی که بین فعالیت‌های فراغتی غیر سازمان‌یافته و بزهکاری رابطه معنادار و مثبت وجود دارد ($P < 0/05$). براساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت: بهبود در شیوه گذراندن اوقات فراغت و سوق دادن نوجوانان حاشیه شهر به فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته و توجه مسئولان به ایجاد امکانات تفریحی سالم و خانوادگی، نقش مهمی در کاهش بزهکاری نوجوانان دارد.

کلمات کلیدی

بزهکاری، اوقات فراغت، نوجوانان

1- کارشناسی ارشد مدیریت ورزش دانشگاه علامه طباطبایی

2- عضو هیئت علمی دانشگاه مراغه

3- دانشجوی دکتری مدیریت ورزش دانشگاه ارومیه، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد رودهن

مقدمه

یکی از مسایل پیچیده عصر حاضر که توجه بسیاری از محققان و صاحب نظران را به خود معطوف داشته است، موضوع مجرمین در سنین پایین و نوجوانان بزهکار است. بزهکاری پدیده اجتماعی و جهانی است که معمولاً برای جرایم نوجوانان زیر 18 سال به کار برده می شود. گرچه، جوامع گوناگون بر حسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبه رو هستند. در همه جوامع انسانی اصطلاح بزهکار در مورد افرادی به کار برده می شود که اعمال خلاف قانون یا موازین مذهبی آن جامعه انجام می دهند.

هر روز در کنار ما جرایم متعددی به وقوع می پیوندد و با تورق روزنامه ها، در صفحه حوادث با انواع بزهکاری آشنا می شویم: چاقو کشی، ضرب و جرح، دزدی، تجاوز و وقتی از خیابان عبور می کنیم سازمان هایی نظیر قانون اصلاح و تربیت، نیروی انتظامی و دادگاه هایی را می بینیم که برای مجازات این گونه افراد به وجود آمده اند. ولی تا حالا فکر کرده ایم چه عواملی در به وجود آوردن فرد بزهکار مؤثر است؟ پیچیدگی عوامل مؤثر در پدیده بزهکاری سبب شده است که هر گروه از محققان آن را از دیدگاهی خاص بررسی کنند. روان شناسان و روان پزشکان از دیدگاه روان شناختی، حقوق دانان از دیدگاه جرم شناسی و مسایل کیفری، پزشکان و زیست شناسان از نظر عوامل مؤثر زیستی و بالاخره جامعه شناسان از دید آسیب شناسی اجتماعی.

یکی از عواملی که از طرف محققان به عنوان یک عامل تأثیرگذار در بزهکاری نوجوانان می باشد، نحوه گذران اوقات فراغت می باشد. به همین جهت ما در این پژوهش به دنبال رابطه بین بزهکاری و نحوه گذران اوقات فراغت هستیم.

بیان مسئله

آمارهای موجودی در ایران رشد فزاینده بزهکاری را در سال های اخیر نشان می دهد. جوانی جمعیت یکی از مهم ترین زمینه های رشد بزهکاری شمرده می شود. نوجوانان در

سنی قرار دارند که خطرات و آسیب‌های اجتماعی بی‌شماری آن‌ها را تهدید می‌کند (علیوردی نیا، 1387، ص 133). انحراف اجتماعی و بزهکاری در بین نوجوانان به عنوان مشکلی اجتماعی، می‌تواند موجب ناامنی و بی‌نظمی گردد. گسترش انحرافات در جامعه و تعمیق آن در بین گروه‌های مختلف جوانان و نوجوانان تبدیل به ارزش‌های فرعی در جامعه شده و به تدریج ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه را سست خواهد ساخت. با افزایش مشکلات هنجاری در جامعه، اصلاح آن بسیار مشکل و طاقت‌فرسا است و جامعه را متحمل هزینه‌های فراوان خواهد کرد. همچنان که گیدنز¹ نیز تصریح می‌کند، در شرایطی که انحراف در یک جامعه امری عادی و در حد وسیعی پیش‌پاافتاده و جزئی از زندگی روزمره تلقی شود، داشتن نیروی انسانی سازنده و ماهر و در نهایت جامعه‌ای مستقل با نهادها و سازمان‌های سالم و پویا، در حد مدینه فاضله‌ای بیش نیست (احمدی، 1388، ص 106).

هر موجود زنده‌ای برای ادامه حیات خود با توجه به شرایط محیطی و وضع جسمی خود باید تلاش نماید. از این جهت در میان موجودات زنده، انسان وضعیت پیچیده‌ای دارد. به گونه‌ای که انسان به اقتضای شرایط اقلیمی، نوع تولید و میزان نیازها، به شیوه‌ای متفاوت از موجودات زنده، تلاش می‌کند. همچنین پایگاه اقتصادی و اجتماعی، وابستگی به گروه و سازمان یا تشکیلات گوناگون و متغیرهایی از این دست در چگونگی و میزان تلاش‌های انسان مؤثر هستند. آنچه به صورت واقعیت مشترک بین همه انسان‌ها باهر شغل و حرفه و مقتضیات گوناگون وجود دارد، این است که هر فردی با توجه به شرایط خود به اندازه‌ای که بتواند نیازهای اولیه خود را تامین نماید کار و تلاش می‌کند. به عبارت دیگر وقتی انسان در طول روز، ساعاتی را به کار می‌پردازد و پس از پایان کار بقیه وقت خود را به گونه‌ای سپری می‌کند که برخی آن را برای رشد و شکوفایی شخصیت مهم می‌دانند.

در این میان دانش‌آموزان طبقات پایین به دلیل اینکه مجبورند وقت بیشتری را صرف برآورده کردن نیازهای اساسی خویش کنند از اوقات فراغت کمتری نسبت به دیگران برخوردار هستند. فی‌المثل معاشرت با دیگران و همچنین تماشای تلویزیون، بیشترین سهم را در گذراندن اوقات فراغت این دانش‌آموزان دارند که یکی از مهم‌ترین دلایل آن در دسترس بودن این گونه فعالیت‌ها است. نگاهی گذرا به تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که دخترانی که در اوقات فراغت تابستانی خود فعالیت‌های ورزشی، هنری، تفریحی و مطالعاتی داشته‌اند به ترتیب 69.6 درصد، 74.6 درصد، 82.7 درصد و 81.1 درصد بوده‌اند (پهلوان، 1390، ص 55).

در صورتی که نوجوانان نتوانند وقت‌های فراغتی خود را با کارهای مفید و مناسب پر کنند، احتمال دارد به کارهای جایگزین و در برخی موارد به بزهکاری و رفتارهای غیرقانونی دست بزنند. حال این سؤال مطرح است که بین نحوه گذران اوقات فراغت و بزهکاری نوجوانان ارتباط معناداری وجود دارد؟ هدف اصلی این تحقیق نیز بررسی رابطه اوقات فراغت و بزهکاری در نوجوانان حاشیه‌نشین شهر مراغه می‌باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اوقات فراغت و نحوه گذران آن از مباحثی است که پس از انقلاب صنعتی به موضوعی مهم بدل شده است. پس از انقلاب صنعتی، دسترسی فزاینده انسان به فن‌آوری‌های جدید باعث شده است، اوقات فراغت در هفته تا حدود دو برابر افزایش یابد (امیر تاش، 1383، ص 38). تغییراتی که در کارکردهای اصلی اوقات فراغت (یعنی استراحت و رفع خستگی، تجدید قوا و تمدد اعصاب، شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها، تفریح و سرگرمی، رشد فکری و فرهنگی و ارتقای آگاهی‌ها) شاهد هستیم، پیامدها و تبعات گسترده‌ای داشته است. پژوهشگران عرصه اوقات فراغت، پیامدهای مسئله اوقات فراغت را در تضادهای ارزشی، شکاف نسلی، ناآرامی، نیاز به هیجان، ناتوانی از تنها ماندن، فقدان انضباط

شخصی، کسالت، خستگی مفرط و فقدان تجربه بازی و ... می‌دانند. به عقیده آنان، عمده تهدیدی که در فراغت وجود دارد، به دلیل استفاده نامعقول از آن است (پهلوان، 1390، ص 42). امروزه جوامع انسانی به سوی «تمدن فراغت» در حال حرکت هستند و فعالیت‌های اوقات فراغت مانند آیین‌های تمام‌نمای فرهنگ یک جامعه می‌باشد و اوقات فراغت در جامعه جدید در جایگاه زیربنای صنعت، فرهنگ و هنر نشسته است.

فعالیت‌های اوقات فراغت از چنان اهمیتی برخوردارند که کارشناسان از آن به مثابه آیین فرهنگ یک جامعه یاد می‌کنند. به این معنا که چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه به میزان زیادی معرف خصوصیات فرهنگی آن جامعه است. حتی می‌توان گفت که موجودیت و اصالت فرهنگ هر جامعه‌ای بر مبنای اوقات فراغت افرادی که در آن جامعه زندگی می‌کنند بنا می‌شود (قائم و همکاران، ص 72). سپری کردن اوقات فراغت به نحو مطلوب و شایسته و مناسب، نشاط روحی و رضایت خاطر را به همراه خواهد داشت. بی‌توجهی به نیازهای فراغتی جوانان و دانش‌آموزان و عدم برنامه‌ریزی برای غنی‌سازی اوقات فراغت آثار سوء و چالش‌های متعددی چون انحرافات، بزهکاری و آسیب‌های مختلف اجتماعی و از دست دادن فرصت تجربه‌اندوژی و گسترش معضلات اخلاقی جامعه و ... در عرصه جامعه برجای می‌گذارد.

کشور ما در ردیف جوان‌ترین کشورهای دنیا قرار دارد. بنابراین آمار و برنامه‌ریزی برای این طیف عظیم با سلايق و انتظارات بسیار متنوع کار دشواری است. طبق نظر کارشناسان هدایت و ایجاد امکانات برای غنی‌سازی اوقات فراغت می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت و هویت آنان در طول سال نقش به‌سزایی داشته باشد.

بزهکاری نوجوانان رایج‌ترین نامی است که به رفتارهای مجرمانه نوجوانان اطلاق می‌شود. اطلاعات آماری نشان می‌دهند که رشد بزهکاری که مرتبط با سنین جوانی می‌باشد، در سال‌های اخیر در حال افزایش است (علیوردی نیا و آرمان مهر، 1387). با نظر به تحقیقات قبلی می‌بینیم که رابطه بین متغیرهایی همچون وضعیت اجتماعی - اقتصادی

والدین (علیوردی نیا و دیگران، 1387؛ قریش زاده و حسینی، 1379)، پیوندهای اجتماعی (جلایی پور و حسینی نثار، 1387)، پیشرفت تحصیلی (احمدی و دیگران، 1380) و در نهایت طبقه اجتماعی (بیکر و محل کوپ^۱، 2006) با بزهکاری مورد مطالعه قرار گرفته است. و با توجه به اینکه دوره نوجوانی مرحله انتقال تدریجی از وابستگی دوران کودکی به وضعیت استقلال بزرگسالی است، بدین جهت است که برخی بر این باورند که سبک زندگی، شاخصه اجتماعی مناسب تری برای مفهوم بلوغ و طرح مسایل جوانان نسبت به زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی است (روس^۲ و همکاران، 2004).

حال چند نکته قابل ذکر است: اول اینکه بیشتر پژوهش‌ها به توصیف اطلاعات نظر داشته و کمتر به تبیین بزهکاری پرداخته اند؛ دوم اینکه عمده پژوهش‌های انجام شده کمتر به تعریف نظری و عملی پرداخته اند؛ سوم اینکه بسیاری از پژوهش‌های انجام شده چارچوب نظری کاملی ندارند؛ و در نهایت بسیاری از پژوهش‌های انجام شده رویکردی روانشناختی داشته و کمتر دارای رویکردی جامعه‌شناسی هستند.

پس با توجه به تحقیقات انجام شده از یک سو و ورود تکنولوژی‌های جدید مانند ماهواره، اینترنت، بازی‌های کامپیوتری و... از سوی دیگر، به نظر می‌رسد در صورتی که توجه کافی به اوقات فراغت نوجوانان نشود آن‌ها در معرض آسیب‌های فراوانی قرار دارند. این آسیب‌ها در مناطق حاشیه‌نشین و محروم شهرها که امکانات کمی برای نوجوانان وجود دارد، نمود بیشتری پیدا می‌کند. با توجه به این مطالب انجام این تحقیق برای یافتن تأثیرات مثبت احتمالی اوقات فراغت سازمان‌یافته بر بزهکاری نوجوانان حاشیه شهر ضروری می‌نماید.

1- Becker & Mehlkop
2- roos

تحقیقات پیشین

تحقیقات زیادی بر روی نحوه گذران اوقات فراغت انجام گرفته است. اما تحقیقات محدودی اوقات فراغت را به عنوان یک متغیر مستقل و پیش‌بینی کننده بزهکاری تعیین کرده‌اند. خواجه‌نوری و هاشمی‌نیا (1389)، رابطه اوقات فراغت و بزهکاری را در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که بین فعالیت‌های اوقات فراغتی سازمان‌یافته و رفتارهای بزهکارانه رابطه منفی وجود دارد اما بین فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته و بزهکاری رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. در این تحقیق نتایج بیانگر این بود که چهار متغیر وقت تلف کردن، جنسیت، جامعه‌پذیری بدون نظارت و اوقات فراغت سازمان‌یافته بر روی هم 23 درصد تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین کرده است. احمدی و دیگران (1380) نشان داده‌اند که بین نحوه اوقات فراغت و بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد. مشکانی و مشکانی (1381) در مطالعه خود بر روی گروهی از جوانان شهر تهران بین گذران اوقات فراغت و بزهکاری رابطه معنی‌داری نیافته‌اند. علیوردی نیا و آرمان مهر (1387) در مطالعه خود دریافته‌اند که افزایش مشغولیت ورزشی به عنوان سبک زندگی با افزایش بزهکاری رابطه مثبت و معناداری داشته است. میرخلیلی (1385)، حاشیه‌نشینی را یکی از عوامل دخیل و موثر در بزهکاری عنوان کرده است.

واگنر¹ و همکاران (2006)، در مطالعه خود نشان دادند که به دلیل فقدان منابع اوقات فراغت برای برخی از گروه‌های اقلیتی، درگیر شدن جوانان در فعالیت‌های اوقات فراغتی سالم محدود شده است. لذا بسیاری از جوانان وقت خود را در خیابان‌ها سپری کرده‌اند. روبرتسون² (1994) به بررسی فعالیت‌های اوقات فراغت منحرفانه پرداخته است. اسمیت³ و

1- Wegner

2 - Robertson

3 -Smith

همکاران (2001) نشان دادند که شیوه زندگی بزهکارانه در دوران کودکی رابطه معنی داری با بزهکاری در دوران نوجوانی دارد.

نظریه‌های اوقات فراغت

سیریل اسمیت¹ نظریه‌های ویژه‌ای را که در زمینه فراغت از سوی متفکران اجتماعی اظهار شده است به سه دیدگاه نظری تقسیم می‌کند: نظریه اجتماعی شدن، نظریه نقش و پایگاه، نظریه خرده‌فرهنگ خاص جوانان.

نظریه اجتماعی شدن، فراغت را جزیی از مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که از طریق آن ایستارها و آموخته‌های لازم برای ورود به بزرگسالی باید آموخته شود. دیدگاه دوم، این دوره را یک دوره موقت و ناپایدار به لحاظ نقش و پایگاه می‌داند و نظریه سوم هم خرده‌فرهنگ جوانان را مستقل از فرهنگ جامعه و حتی گاه متضاد با آن می‌بیند. پارکر² نظریه اجتماعی کردن را به نقل از دبلیو والر³ در کتاب خانواده چنین نقل می‌کند؛ در این دوره جوان از طریق خانواده و عضویت در سایر نهادهای اجتماعی نظیر مدرسه و باشگاه‌های مختلف اجتماعی می‌شود. خانواده از طریق برخی متغیرها مثل تمام وقت درس خواندن یا زندگی کردن فرزند با خانواده یا استقلال مالی فرزند بر میزان و نحوه فراغت فرزندان اثر می‌گذارد. دین و مدرسه هم بر ایستارها و عادات فراغتی جوان اثر می‌گذارند. این دو نهاد در اجتماعی کردن ممکن است با تضادهایی روبرو شوند، چون باید هم به نیازهای جوان و هم به توقعات جامعه و رهبران اخلاق پاسخ دهند. فرآیند اجتماعی کردن در فاصله کمتر میان نهادها آسان‌تر خواهد بود (موموندی، 1380، 44).

1-Siril Smith

2- Parker

3 -W.Waller

در مورد دیدگاه نقش و پایگاه، دبلیو جیگود¹ در کتاب خانواده می نویسد: از این دیدگاه نوجوانی یک دوره گذار ناپایدار از مراحل مختلف پایگاه اجتماعی است که هر فردی باید طی کند. چون این دوره کوتاه و موقت است نوجوان نمی داند الگوی رفتاری مناسب چیست و از الگوی مشخصی پیروی نمی کند. با ورود به دبیرستان یا دانشگاه، آزادی بیشتری احساس می کند اما در پایان دوره دبیرستان هم وقت او صرف رقابت برای ورود به آموزش عالی و کسب شغل می شود. این موقعیت به شدت بر اوقات فراغت او تأثیر می گذارد و آن را کاهش می دهد. چنانچه نوجوان وارد آموزش عالی نشود و به کاری تمام وقت پردازد ناچار از آن است که فراغت برای او فراهم می شود. در این دیدگاه دختران کمتر وارد بازار کار می شوند و بیشتر در خانه می مانند و به کارهای خانه مشغول می شوند و در این شرایط دختران طبقات متوسط و بالا راحت تر می توانند در باشگاه های مختلف عضو شوند و یا برای فراغت خود برنامه ریزی کنند (همان، 45).

نظریه پردازان دیدگاه سوم معتقدند، در این دوره سنی همین که کودکان به دوره نوجوانی وارد می شوند با همسالان خود، اجتماع می کنند و از شیوه های رفتاری مستقلی پیروی می نمایند. اجتماع جوانان در طبقات پایین به عنوان «فرهنگ کوچه و خیابان» معروف است. رسانه های گروهی مخصوص نوجوانان آنان را به لحاظ فکری به هم پیوند می دهند. این مسئله سبب تضعیف پیوستگی جوانان با خانواده و افزایش اثر اجتماع همسالان بر انتخاب اوقات فراغت آنان می شود. از آنجا که جوانان به دنبال کسب تجارب جدید هستند و ذوق و سلیقه های تازه را می جویند در انتخاب فراغت کمتر از الگوهای پایدار و ثابت پیروی می کنند و خواستار تنوع در اوقات فراغت هستند. فرهنگ خاص جوانان بیشتر به فعالیت های لذت بخش گرایش دارد و گاه فراغت های آنان با عکس العمل های اعتراض توأم می شود. بخشی از هنرمندان که الگوی جوانان قرار می گیرند این دو خصیصه را باهم ابراز می کنند. از دیگر ویژگی های این فرهنگ مقابله با

نظام صنعتی است که جوانان را به رقابت و تلاش برای زندگی فرامی‌خواند و شدت رقابت و میزان توفیق روزبه‌روز بیشتر و دشوارتر می‌شود. حرکات اعتراض‌آمیز آنان گاه به شکل مقابله با روابط نژادی و گاه به صورت آرزوی زندگی ساده‌تر و صمیمانه‌تر در روزگاران گذشته بروز می‌کنند. این فرهنگ در برخی موارد توانسته بر فرهنگ بزرگسالان اثر بگذارد و آنان را به سوی موسیقی عامیانه محبوب جوانان و گاه مدل‌های لباس و آرایش خاص جذب کند. طرفداران این نظر اعتقاد دارند که اثر خرده‌فرهنگ خاص جوانان بر اوقات فراغت بیش از خانواده و مدرسه است (همان، 46).

نظریه‌های بزهکاری

نظریه‌ها و مدل‌های گوناگونی برای گسترش رفتارهای بزهکارانه توسط جامعه‌شناسان و اندیشمندان حوزه‌های تربیتی و روان‌شناسی مطرح شده است. عواملی که مورد توجه قرار گرفته‌اند شامل فشارهای اجتماعی (های و ایونز¹، 2006)، کنترل اجتماعی (بارون و همکارانش²، 2007)، شکست تحصیلی (والکر و همکارانش³، 1999)، محیط خانوادگی (وون⁴، 2001)، اوقات فراغت ملال‌انگیز⁵ (کلی و همکاران⁶، 2004)، کنش متقابل نمادی و هویت اجتماعی (بونفیل و تامپسون⁷، 2005) بوده‌اند.

نظریه فشارهای اجتماعی بیان می‌کند که نوجوانان به هنگامی که نتوانند از مجاری مشروع آنچه را که می‌خواهند به دست آورند، به بزهکاری روی می‌آورند. آن‌ها احساس ناکامی کرده و نسبت به کسانی که در اطرافشان هستند، خشونت خواهند داشت. عمده‌ترین تبیین بر پایه نظریه فشار در مورد رابطه اوقات فراغت و بزهکاری این است که به لحاظ

1- Hay&Evans

2 -Baron

3- Walker

4 -Kwon

5- Leisure boredom theory

6 -Kelly

7- Brownfield & Thompson

اجتماعی، اوقات فراغت روزانه‌های قابل قبولی را برای ناکامی که توسط جهان غیر فراغتی تولید شده است، فراهم می‌سازد. تبیین دومی که بر مبنای نظریه فشار بیان شده است این است که نوجوانان نیاز به فراغت و یا به طور عام‌تر به هیجان و سرگرمی دارند. اگر نوجوانان قادر نباشند که این نیازها را از طریق کانال‌های به لحاظ اجتماعی پذیرفته شده ارضا کنند، ممکن است که برای ارضای آن از طریق معجاری بزهکارانه عمل نمایند (آگنیو و پترسن^۱، 1989).

نظریه کنترل اجتماعی بر این باور است که بزهکاری نتیجه فقدان پیوندهای اجتماعی بین نوجوانان و یک یا چند نهاد متعارف موثر همچون والدین، معلم‌ها به عنوان مدل‌های نقشی، مدرسه و یا برنامه‌های اجتماعی به عنوان خطوط متعارف فعالیت‌ها می‌باشد (احمدی، 1380). مدل شکست تحصیلی بر این اعتقاد است که رفتار ضد اجتماعی به واسطه پیشرفت تحصیلی ضعیف رخ می‌دهد (فلیپ و کلی^۲، 2009). نظریه اوقات فراغت ملال انگیز مدعی است که وقتی تهییج، چالش و یا تحریک شدن به طرقی که به لحاظ اجتماعی مورد تایید نیست رفع نشود، نوجوانان احتمالاً درگیر در رفتارهای بزهکارانه می‌شوند (پاترسون^۳، 2000). نظریه پردازان کنش متقابل نمادی جرم و بزهکاری به دوران مید و کولی بر می‌گردند و تاکید بر اهمیت هویت یا خودپنداره به عنوان پیش‌بینی کننده مهم رفتار دارند (برونفیلد و تامپسون، 2005). نظریه هم‌نشینی افتراقی که بر اهمیت تعاریف یا زیان به عنوان علت جرم تاکید می‌گذارند، مبتنی بر کنش متقابل نمادی است (هایمر و ماتسودا، 1994). مدل فشار اجتماعی مدعی است که نوجوانان، به خصوص نوجوانان پایگاه‌های اجتماعی پایین تر هنگامی به رفتارهای بزهکارانه می‌پردازند که از طریق کانال‌های به لحاظ اجتماعی مشروع نتوانند نیازهای خودشان را برآورده سازند (آگنیو و پترسن، 1989).

1 - Agnew & Petersen

2 - Philips & Kelly

3 - Patterson

فرضیه تحقیق

بین نحوه گذران اوقات فراغت (سازمان یافته و غیر سازمان یافته) و بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.

تعریف مفاهیم

تعریف نظری بزهکاری: برای مفهوم بزهکاری تعاریف مختلفی مطرح شده است. ساروخانی بزهکاری را تخطی از قوانین رسمی جامعه دانسته است (ساروخانی، 1382). احمد احمدی بزهکاری را طیفی از رفتارها می‌داند که هم در برگیرنده تخلف از قانون و هم تخلف از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بدون قانون‌شکنی رسمی در بر می‌گیرد (احمدی، 1380).

تعریف نظری اوقات فراغت: زارعی و تندنویس (1382)، اوقات فراغت را مجموعه فعالیت‌هایی می‌دانند که «شخص پس از رهایی از تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی با میل و اشتیاق به آن می‌پردازد و غرض وی استراحت، تفریح و توسعه دانش، به کمال رساندن شخصیت خویش، به ظهور رساندن استعدادها و خلاقیت‌ها و بالاخره بسط مشارکت آزادانه در اجتماع است».

تعریف عملیاتی بزهکاری: منظور از بزهکاری در این تحقیق به هرگونه فعالیت خرابکارانه، غیرقانونی و صدمه زدن به اموال عمومی اطلاق می‌گردد. خواجه‌نوری و هاشمی نیا بزهکاری را در 4 بعد خرابکاری رفتارهای عینی (پاره کردن صندلی‌های وسایل نقلیه عمومی، خرد کردن لامپ‌های مدرسه، آسیب به اتومبیل‌های دیگران و ...)، دزدی (برداشتن وسایل دوستان و برداشتن وسایل مدرسه و ...)، کج‌روی فرهنگی (فرار از مدرسه و فرار از خانه) و پرخاشگری (توهین به هم کلاسی‌ها) در نظر گرفتند. سایر عوامل انحرافی به 2 قسمت تقسیم شدند، خرابکاری‌های ضعیف (نوشتن بر روی صندلی کلاس، راه رفتن

روی چمن‌های پارک و ...) و خرابکاری‌های قوی (آسیب به صندوق پستی، آسیب به علائم ترافیکی و ...) (خواجانه‌نوری و هاشمی نیا، 1389). در این تحقیق نیز از ابعاد بزهکاری تحقیق خواجانه‌نوری و هاشمی نیا (1389) استفاده گردید.

تعریف عملیاتی اوقات فراغت: هرگونه فعالیت غیردرسی و غیر کاری که نوجوانان برای پر کردن وقت آزاد خویش انجام می‌دهند.

اوقات فراغت سازمان‌یافته: هرگونه فعالیت‌ها، برنامه‌ها و کلاس‌های فراغتی که توسط سازمان‌های دولتی، غیرانتفاعی یا والدین نوجوانان و به صورت برنامه‌ریزی شده برای پر کردن اوقات فراغت نوجوانان انجام می‌شود. مثل کلاس موسیقی، کلاس قرآن، کلاس‌های ورزشی و غیره.

اوقات فراغت سازمان نیافته: فعالیت‌های فراغتی بی‌هدف، تفریحی و برنامه‌ریزی نشده که در هنگام فراغت توسط نوجوانان انجام می‌گیرد. مثل پرسه زدن در خیابان، ارسال پیامک، آرایش کردن و غیره.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری نوجوانان 13 تا 18 سال محله‌های حاشیه‌نشین و محروم شهرستان مراغه بودند. محله‌های یوسف‌آباد، پسند آباد، پهرآباد، گلر و میکایل آباد انتخاب شدند. حجم جامعه نزدیک 8000 نفر تخمین زده شد و با توجه به جدول مورگان حداقل حجم نمونه 373 نفر برآورد شد که در این تحقیق 500 پرسشنامه تکمیل گردید. نمونه‌ها به روش تصادفی طبقه‌ای (با توجه به جنسیت و سن و جمعیت هر منطقه) انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز درباره اوقات فراغت از پرسشنامه محقق ساخته و برای سنجش بزهکاری از پرسشنامه تحقیق خواجانه‌نوری و هاشمی نیا (1389) استفاده شد. برای اعتبار صوری پرسشنامه‌ها به تعدادی از صاحب‌نظران و همچنین چندین تن از پسران و دختران 13 تا 18 سال ارایه شد. پایایی پرسشنامه اوقات فراغت توسط آلفای کربناخ 0/91 به دست آمد و برای پرسشنامه بزهکاری ضریب آلفای

کرنباخ 0/88 گزارش شد. از آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای سنجش طبیعی بودن داده‌ها استفاده گردید و با توجه به اینکه داده‌ها طبیعی بودند از آزمون‌های پارامتریک برای تعیین همبستگی استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

جدول (1) مشخصات جمعیت شناختی این تحقیق را نشان می‌دهد که نمونه تحقیق را از نظر جنسیت و سن دسته‌بندی می‌کند.

جدول (1) مشخصات جمعیت شناختی نمونه پژوهش

متغیر	طبقه‌بندی	فراوانی	درصد
جنسیت	پسر	255	51
	دختر	245	49
سن	13	75	15
	14	74	14.8
	15	115	23
	16	102	20.4
	17	75	15
	18	59	11.8
مجموع	-	500	100

جدول (1) نشان می‌دهد که 51 درصد از نمونه تحقیق پسر (260 نفر) و 49 درصد دختر بودند (250 نفر). همچنین از لحاظ سن نمونه‌های مورد مطالعه، بیش‌ترین فراوانی را نوجوانان 15 ساله تشکیل می‌دادند (115 نفر، 23 درصد).

به منظور تعیین ارتباط بین نحوه گذران اوقات فراغت با بزهکاری آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول (2) ضرایب همبستگی پیرسون بین نحوه گذران اوقات فراغت را با بزهکاری نشان می‌دهد.

جدول (2) ضرایب همبستگی پیرسون بین نحوه گذران اوقات فراغت با بزهکاری

بزهکاری	
-0/561**	اوقات فراغت سازمان یافته
0/408*	اوقات فراغت غیر سازمان یافته

** $p < 0/01$ ، * $p < 0/05$

که بر این اساس بین اوقات فراغت سازمان یافته و بزهکاری ($r = -0/561, p < 0/01$) ارتباط منفی و معنادار و بین اوقات فراغت غیر سازمان یافته و بزهکاری ($p < 0/05$)، $r = 0/408$ ، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

جدول (3) تفاوت میانگین بزهکاری را با توجه به نحوه گذران اوقات فراغت نوجوانان

نشان می دهد.

جدول (3) تفاوت میانگین بزهکاری بر حسب نحوه گذران اوقات فراغت

اوقات فراغت	فراوانی	میانگین بزهکاری	انحراف معیار	مقدار t	p
سازمان یافته	235	21/8308	7/3187	11/439	0/000
غیر سازمان یافته	265	33/0653	12/2008		

با توجه به جدول (3)، تعداد 235 نفر از نمونه پژوهش، اوقات فراغت خود را با فعالیت های فراغتی سازمان یافته و تعداد 265 نفر با فعالیت های غیر سازمان یافته پر می کرده اند. و بزهکاری نوجوانانی که در فعالیت های فراغتی سازمان یافته شرکت می کنند به طور معناداری کمتر از بزهکاری نوجوانانی است که در فعالیت های فراغتی غیر سازمان یافته شرکت می کنند ($p < 0/001$).

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر به بررسی رابطه اوقات فراغت نوجوانان و بزهکاری پرداخته است. نتایج نشان داد که نحوه گذران اوقات فراغت رابطه معناداری با بزهکاری دارد. اوقات فراغت سازمان یافته به طور معناداری کاهش بزهکاری و اوقات فراغت سازمان نیافته به طور معناداری افزایش بزهکاری بودند. نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات ین و همکاران (1999)، آگنیو و پترسن (1989)، خواجه نوری و هاشمی نیا (1389)، علیوردی نیا و دیگران (1387) و قریش زاده و حسینی (1379) همسو بود. نوجوانان حاشیه شهر زمان بیشتری از اوقات فراغت خود را صرف فعالیت های فراغتی سازمان نیافته مانند پرسه زدن و گشت و گذار در کوچه و خیابان می گذرانند. و این عامل می تواند یکی از اثرگذارترین مسایل برای آینده آن ها و بزهکاری باشد.

نتایج این تحقیق نشان دادند نوجوانانی که در فعالیت های فراغتی سازمان یافته شرکت می کنند کمتر از نوجوانانی که در فعالیت های فراغتی غیر سازمان یافته شرکت می کنند، به بزهکاری می پردازند. نتایج تحقیقات پیشین نیز تایید کننده این مطلب است (ین و همکاران، 1999؛ خواجه نوری، 1389). با این حال گسترش استفاده از اینترنت، ویدیو کلوپ ها، ارسال پیامک، رایانه و MP3 Player و ... در دهه اخیر باعث تغییر در نحوه گذران اوقات فراغت نوجوانان نسبت به تحقیقات قدیمی تری مانند تحقیق ین و همکاران (1999) شده است. در تحقیقات قدیمی تر تماشای تلویزیون بیشترین سهم را در پر کردن اوقات فراغت نوجوانان داشت.

یکی از دلایلی اصلی که در تحقیقات مختلف برای بزهکاری نوجوانان ذکر می گردد ارتباط با همسالان بزهکار می باشد. به نظر می رسد که فعالیت های فراغتی غیر سازمان یافته احتمال برخورد و آشنایی نوجوانان را با همچین افرادی زیاد کرده و به طور غیرمستقیم باعث افزایش اعمال بزهکارانه در فرد می شود. نوجوانی مرحله ای از زندگی است که فرد به دنبال کسب هویت است. اگر در این مرحله والدین حضور جدی در زندگی نوجوان

نداشته باشند، نوجوان با روبه رو شدن با الگوهای انحرافی پیرامون خود به الگوبرداری از آن‌ها خواهد پرداخت. ایجاد ارتباط نزدیک و دوستی با افرادی که رفتارهای بزهکارانه را در نوجوان القا و تقویت می‌کنند، سبب گرایش وی به همان چیزی خواهد شد که در اطراف خود می‌یابد.

با توجه به نتایج تحقیق فعالیت‌های سازمان‌یافته فراغتی رابطه منفی با بزهکاری نوجوانان دارند، لذا مسئولانی که به نوعی با امور نوجوانان در مناطق حاشیه‌نشین شهرها دارند، تا آنجا که می‌توانند باید برنامه‌هایی برای افزایش فعالیت‌های اجتماعی فراغتی از نوع سازمان‌یافته تهیه و جوانان و نوجوانان را در این فعالیت‌ها مشارکت دهند. همچنین فعالیت‌های فراغتی غیر سازمان‌یافته نیز می‌توانند، به نوعی در نظارت قرار گیرند. برای مثال کلوپ‌هایی که با ارایه بازی‌های رایانه‌ای مشغول اند، تحت نظارت و سرپرستی افرادی قرار گیرند که در حوزه مطالعات جوانان دارای تجربه بوده و بتوانند ضمن عرضه بازی‌ها بر روی رفتارهای نوجوانان نظارت بیشتری کنند. همچنین والدین باید کنترل بیشتری بر استفاده نوجوانان از شبکه‌های ماهواره‌ای، تلفن همراه، اینترنت و رایانه داشته باشند. همچنین درگیر شدن بیشتر والدین در اوقات فراغت نوجوانان و همراهی آن‌ها در برخی از فعالیت‌های تفریحی همچون گشت و گذار خارج از شهر و ... موجب دل‌بستگی بیشتری با خانواده و به خصوص والدین خود داشته باشند و این خود مستلزم فراهم کردن امکانات تحریقی خانوادگی در مناطق حاشیه‌نشین شهر است. فعالیت‌های فراغتی، هر چند ممکن است هر کدام هدف خاصی را دنبال کنند، باید در ارتباط با یکدیگر، سیستمی را تشکیل بدهند که پاسخگوی نیازهای فرد و جامعه باشد. فعالیت‌های فراغتی همانند برنامه تحصیلی (رسمی) در صورتی به رشد و تکامل طبیعی همه جانبه نوجوانان کمک خواهند کرد که با دید (سیستمی) پیش‌بینی و تنظیم شوند.

سیاست‌های فرهنگی معطوف به فضاهاى فراغتی می‌تواند گذارن فعالانه و خلاقانه و غیر آسیب‌زای اوقات فراغت نوجوانان را بارور سازد. فعالیت‌های فراغتی سازمان‌یافته

می‌تواند به کارکردهای مختلف استراحت، تفریح و رشد شخصیت از چشم‌انداز استعدادهای فرد در انجام وظایف شغلی، خانوادگی و اجتماعی پاسخ گوید به گونه‌ای که فرد با رفع خستگی صدمات جسمی و روانی ناشی از هیجان‌ها و فشارهای مداوم موجود در کار و انجام وظایف اجتماعی را جبران کند و با تفریح از کسالت ناشی از یکنواختی کار و فعالیت روزانه رها شود و فرصتی برای پرورش جنبه‌های عاطفی توانایی‌های ذهنی و روانی و بازسازی شخصیت خود فراهم سازد.

با توجه به نتایج این تحقیق، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

1- با توجه به اینکه خانواده مهم‌ترین گروهی است که نوجوانان عضو آن می‌باشند، والدین باید نظارت بیشتری بر نحوه گذران اوقات فراغت فرزندان خویش داشته باشند. نوجوانی مقطع حساسی از زندگی است و فعالیت‌هایی مانند آرایش کردن، مشاهده ماهواره، ارسال پیامک و ... در صورتی که با نظارت والدین انجام نگیرد ممکن است باعث بروز مشکلات رفتاری در نوجوانان بشود.

2- فعالیت‌های فراغتی ارزش‌های تربیتی بسیار مهمی دارند لیکن این ارزش‌ها خودبه‌خود و تنها با شرکت نوجوانان در آن‌ها حاصل نمی‌شود بلکه به مسئولان اجرایی فعالیت‌های فراغتی فکر و طرح روشنی درباره آن‌ها داشته باشند احتیاج قطعی دارند.

3- عدم توجه مسئولان در فراهم کردن امکانات فراغتی سازمان‌یافته و مفید در مناطق حاشیه‌نشین و محروم شهرها باعث شده است که نوجوانان این مناطق بیشتر از دیگر مناطق در معرض آسیب‌های زمان فراغت شوند. به همین خاطر مسئولان باید توجه بیشتری در فراهم کردن امکانات در این نقاط از شهرها بکنند.

منابع فارسی

- احمدی، ح و خواجه نوری، ب و موسوی، م (1388): "عوامل مرتبط با بزهکاری دانش آموزان دبیرستانی"، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره 33، صص 105-122.
- احمدی، ح و مقدس، ع.ا. و خواجه نوری، ب (1380): "بررسی تطبیقی رفتار بزهکارانه دانش آموزان دبیرستان های نظام قدیم و جدید شهر شیراز"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره 16، شماره 2، پیاپی 32، صص 206-193.
- امیر تاش، علی محمد (1383): "فوق برنامه و اوقات فراغت با تاکید بر فعالیت ورزشی"، المپیک، سال دوازدهم، شماره 2 (پیاپی)، تابستان، صص 51-37.
- ساروخانی، ب (1382): "روش تحقیق در علوم اجتماعی"، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هشتم، جلد اول.
- تورکیدسن، جرج (1382): "اوقات فراغت و نیازهای مردم"، (عباس اردکانیان)، تهران، نوربخش.
- پهلوان، منوچهر و برزیگر، فاطمه (1390): "بررسی گرایش به نحوه گذران اوقات فراغت در بین دختران مقطع متوسطه شهرستان آمل"، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات نوجوانان، سال دوم، شماره سوم، صص 53-66.
- جلالی پور، ح.ر و حسینی نثار، م (1387): "عوامل اجتماعی موثر بر بزهکاری نوجوانان در رشت"، پژوهش نامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره 8(2)، صص 102-77.

- خواجه‌نوری، ب و هاشمی‌نیا، ف (1389): "رابطه اوقات فراغت و بزهکاری نمونه مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز"، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان 1389، صص 31-57.
- قریشی‌زاده، م.ع و حسینی، ق (1379): "بررسی شیوع عوامل روانی و اجتماعی در بزهکاری نوجوانان"، مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، 34(47)، صص 25-30.
- علیوردی‌نیا، ا و آرمان‌مهر، و (1387): "فعالیت‌های ورزشی و بزهکاری: آزمون تجربی نظریه پیوند اجتماعی هیرشی"، نشریه علوم حرکتی و ورزش، سال ششم، شماره 12، صص 133-141.
- علیوردی‌نیا، ا و شارع‌پور، م و ورمزپار، م (1387): "سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری"، پژوهش زنان، دوره 6، شماره 2، صص. 107-132.
- قائم، هاله؛ محمدصالحی، نرگس؛ محمدبیگی، ابوالفضل (1387). «چگونگی گذراندن اوقات فراغت و همبسته‌های آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز». آموزش در علوم پزشکی. بهار و تابستان 87: 8 (1). صص 71-80.
- مشکانی، م.ر و مشکانی، ز (1381): "سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان (آزمون تجربی نظریه ترکیبی کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی)"، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره 2، صص 3-25.
- موموندی، افسر (1380): "بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان شهر ورامین". وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران.

- میرخلیلی، محمود (1385): "توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی بزهرکاری"، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 38، شماره 3، صص 297-316.

منابع انگلیسی

- Agnew, R. Petterson, M. (1989): " A longitudinal test of the revised strain theory." *Journal of Quantitative Criminology*, Vol. 5, pp.373-87.
- Backer, R. & Mehlkop, G. (2006): " An empirical utilization of rational choice theory with cross-sectional data of the 1990 and 2000 German general population surveys (ALLBUS), *Rationality and Society*, VOL. 18, No.2, pp. 193-235.
- Baron, S.W., Forde, D.R., & Kay, F.M. (2007): "Self-control, risky lifestyles, and situation: The role of opportunity and context in the general theory", *Journal of Criminal Justice*, Vol. 35, pp. 119-136.
- Brownfield, D. & Thompson, K. (2005): " Self-concept and delinquency: The effects of reflected appraisals by parent and peers", *Western Criminology Review*, 6(1), pp. 22-29.
- Heimer, K. & Matsueda. R. (1994): " Role-talking, role commitment, and delinquency: A theory of differential social control." *American sociological Review*, Vol. 59, pp. 365-390.
- Hay, C., & Evans, M. M. (2006): "Violent victimization and involvement in delinquency: Examining predictions from general strain theory", *Journal of Criminal Justice*, Vol.34, pp. 261-274.
- Kelly, K.J, Comello, M.L.G., & Edwards, R.W. (2004): "Attitudes of rural middle-school youth toward alcohol, tobacco, drugs, and violence" , *The Rural Educator*, Vol. 3, No.2 pp. 199-24.

- Kwon, Hee-Kyung (2001): "Risk and protective factors for adolescent delinquency", Journal of Korean Home Economics Association English Edition, Vol. 2, No. 1, pp. 135-152.
- Patterson, I. (2000): "Exploring the links between leisure boredom and alcohol use among youth in rural and urban areas of Australia", Journal of Park and Recreation Administration, Vol. 18, No. 3, pp. 53-75.
- Phillips, J.C., & Kelly, D.H. (2009): " School failure and delinquency which causes which? Criminology, Vol.17.
- Robertson, B. (1994): "Leisure in the lives of male adolescents who engage in delinquent activity for excitement", Journal of Park and Recreation Administration , Vol. pp. 29-46.
- Rojek, Chris and Shaw, Susan M and Veal A J (2006), "A Handbook of Leisure Studies", London, Polgrave.
- Roos, E.B., Karvonen, S., & rahkonen, O. (2004): "lifestyles, social background and eating patterns of 15 years old boys and girls in finland", *Journal of Youth studies*, Vol. 7, No.3,pp. 331-349.
- Smith, S., Kern, R.M., Cuurlette, W.L., Mullis, F. (2001): "lifestyle profiles and interventions for aggressive adolescents", The Journal of Individual Psychology, Vo1. 57, NO. 3, pp. 224-245.
- Walker, H.M., & Sprague, J.R. (1999): "The path to school failure, delinquency, and violence: causal factors and some potential solutions", *Intervention in School and Clinic*, Vol. 35, No.2, pp. 67-73.
- Wegner, Lisa, Alan J.Fisher, Martie Muller & Carl Lombard (2006): " Leisure Boredom and Substance Use Among High School Students in South Africa", *Journal of Leisure Research*, Vol. 38 , NO.2, pp. 249-266.